

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

الحاج خلیل الله ناظم باختری

انجمن دوستداران سخن به مناسبت شب یلدا، محفلی را به تاریخ ۲۲، ۱۲، ۲۰۰۶ در سالون گل های شهر همبورگ برگزار نموده بود و من این پارچه شعر را اندر آن محفل قرائت کردم، که اینک غرض مطالعه دوستداران ادب تقدیم می گردد:

شعر و موسیقی

شب یلدا که پایان خزان است
سلام و احترام و مهربانی
به تاریخ وطن باشد نشانی
چراغان می شود محفل به محفل
رموز دوستی انس است و یاری
چه فرقی میکند پشتون و تاجک
شکوهی پر جلال و شادمانی
مبارک بر یکایک اهل محفل
نوای شعر و موسیقی مداوم
نشاید یک سر موغصه و غم
به یک مژه زدن دنیای فانی
پس از رنج و فراق و نامرادی
چو بلبل هر نفس فریاد کردن
به قمری فرصت کو کو زدن کو
به گوش و هوش خود بشنو که ناظم

زمستان آمد و سیر زمان است
بنائی در زمین از آسمان است
سراسر یاد بود باستان است
رضای خاطر افغانیان است
کلید معرفت در امتحان است
که هر دو ملت افغان ستان است
شمع میسوزد و پروانگان است
که نور چشم ما پیر و جوان است
تسلای دل و روح و روان است
که مرگ و زندگانی بیگمان است
به یک مژه زدن تا پای جان است
بهار و آرزوی جاودان است
به عشق گل میان بوستان است
بدست باغبان تیر و کمان است
دعاگوی شما خرد و کلان است